



فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

دوره ۱۸، شماره ۶۰، پائیز ۱۴۰۱

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۴۱-۶۳

تطبیق دیدگاه رژیم پهلوی و انقلابیون درباره مسأله فلسطین (در چهارچوب نظریه‌ی واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی)

زهرا میرزایی‌منش^۱

شهره پیرانی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱

چکیده

نوشتار حاضر به بررسی اندیشه سیاسی رژیم پهلوی و انقلابیون پیرامون مسأله فلسطین می‌پردازد. دو جریان سیاسی متفاوت در ایران که منشا اتفاقات مهم و تاثیر گذاری در تاریخ کشور بوده‌اند، و به این پرسش می‌پردازد که رژیم پهلوی و انقلابیون درباره مسأله فلسطین چه دیدگاه‌ها و مواضعی داشته‌اند؟ فرضیه مقاله بر این پاسخ مطرح است که موضع رژیم پهلوی در چارچوب نظریه واقع‌گرایی قابل تبیین است و نگاه انقلابیون بر اساس نظریه ایده‌الیسم بوده است. انقلابیون معتقد بودند که این اسرائیل است که سرزمین یک قوم مسلمان را را اشغال کرده است و مخالف و کمک‌های اقتصادی رژیم پهلوی به اسرائیل بودند و آن را بر خلاف مصالح و منافع اسلام و مسلمان‌ها می‌دانستند. از این رو این مقاله با هدف بررسی اندیشه سیاسی رژیم پهلوی و انقلابیون پیرامون مسأله فلسطین با استفاده از روش کیفی از نوع تحلیل اسنادی پرداخته است.

کلمات کلیدی

فلسطین، اسرائیل، رژیم پهلوی، انقلابیون.

۱- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. z.mirzaei70@yahoo.com

۲- استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) sh_p202@yahoo.com

مقدمه

مخاصات و منازعات بین فلسطین و اسرائیل از نیمه قرن بیستم و در اثر اشغال فلسطین توسط اسرائیل آغاز شده است و تاکنون ادامه یافته است، نحوه‌ی تشکیل رژیم اسرائیل از ابتدای منازعه در طول چند سال اخیر باعث شده است این مساله به یک دغدغه مطالعاتی عمیق و گسترده تبدیل شود و در پی علل و عوامل چرایی و چگونگی آن برآمد. درباره قدمت فلسطین می‌توان گفت که این سرزمین دارای قدمتی طولانی است که قدمت آن به هزاره قبل از میلاد مسیح می‌رسد و زادگاه پیامبران و مهد تمدن‌های گوناگون و تاریخ کهن آن سرشار از حوادث و وقایع گوناگون بوده است. با پایان جنگ جهانی اول و به دنبال فروپاشی امپراتوری مسلمان عثمانی و تقسیم آن به کشورهای ترکیه، سوریه، لبنان، فلسطین، عراق، اردن و عربستان سعودی، قیومیت کشور فلسطین به بریتانیا واگذار شد. در سال ۱۹۱۷ میلادی زمانی که لرد بالفور^۱ وزیر امور خارجه انگلیس تشکیل یک سرزمین ملی یهود را به جهانیان اعلام کرد، اختلافات بین اعراب و اسرائیل و همچنین دیگر کشورهای اسلامی با یهود و اعلام مخالفت‌های آنان با تشکیل دولت یهود در سرزمین چندین هزارساله فلسطین آغاز شد ایران به عنوان یک کشور اسلامی نیز می‌باید در این قضیه اظهار نظر می‌کرد و جایگاه خود را به عنوان یک کشور دارای استراتژی تأثیر گذار در منطقه، در مجامع بین‌المللی ابراز نماید. این در حالی است که ایران در داخل، خود دچار دو دستگی در عقاید بود و حکومت با گروه‌های انقلابی اسلام‌گرا در ستیز است ولیکن در مجامع بین‌المللی برای بیان جایگاه و موقعیت خود در منطقه با فرستادن نمایندگان در مورد قضیه فلسطین ابراز نظر کرده و درباره‌ی موجودیت اسرائیل و تشکیل دولت یهود در سرزمین فلسطین با نمایندگان دیگر کشورها تصمیماتی اتخاذ می‌شود. لذا این پژوهش در پی آن است که به دیدگاه‌ها و مواضع رژیم پهلوی و انقلابیون اسلام‌گرا درباره مساله فلسطین در چارچوب نظریه واقع‌گرایی تدافعی و ایده‌الیسم بپردازد.

پیشینه پژوهش

در هر تحقیق و پژوهشی رجوع به موضوعاتی که قبلاً در ارتباط با آن کار نوشته شده‌اند می‌تواند در انجام بهتر تحقیق و باز کردن نگاه نویسنده به موضوع خود کمک کند. همچنین آگاه شدن از تحقیقات دیگران چراغ راه محقق می‌باشد، پژوهش‌های زیادی در ارتباط با سیاست خارجی ایران و بررسی رابطه با اسرائیل نوشته شده است که ابعاد و وجوه مختلف آن را تجزیه و تحلیل کرده‌اند که در چند دسته قابل دسته‌بندی هستند. یک دسته به چگونگی رابطه سیاسی ایران دوران پهلوی با اسرائیل پرداخته‌اند، دسته‌ای دیگر به بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر انتفاضه فلسطین پرداخته‌اند که در ذیل به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود.

تطبیق دیدگاه رژیم پهلوی و انقلابیون درباره مسأله فلسطین/میرزایی‌منش و پیرانی

جوادی ارجمند و معینی^۲(۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان «مفاهیم نقش ملی و تحلیل سیاست خارجی ایران در قبال اسرائیل» در پی پاسخ به چرایی تغییر رفتار ایران در شناسایی اسرائیل است. که از روش کیفی از نوع تحلیل تاریخی استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تغییر رفتار ایران در مواجهه با اسرائیل ناشی از دگرگونی مفاهیم نقش ملی سیاست‌گزاران ایرانی می‌باشد(جوادی ارجمند و معینی، ۱۳۹۷: ۳۰۹). اسدی و ساسانی^۳(۱۳۹۷). نیز در مقاله خود با عنوان «مطالعه انتقادی سیاست خارجی محمدرضا شاه پهلوی در آینه نوشته‌ها و بیانات او». به بررسی مفاهیم برجسته شده و به حاشیه رانده شده در متن‌های سیاست خارجی محمدرضا پهلوی از سال ۱۳۵۶-۱۳۲۰ پرداخته است (اسدی و ساسانی، ۱۳۹۷: ۴۲).

اسدی^۴(۱۳۸۴). در مقاله خود با عنوان «سیاست خارجی ایران در قبال مسأله فلسطین در دوران پهلوی و جمهوری اسلامی ایران، یک بررسی تطبیقی». به بررسی دیدگاه رژیم پهلوی درباره مسأله فلسطین در مقایسه با دوران جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. این نوع پژوهش با وجود شباهت زیادی که به موضوع مورد بحث دارد ولیکن از جامعه‌ی مورد بحث آن جمهوری اسلامی ایران است نه انقلابیون اسلام‌گرای که در مقابل سیاست خارجی رژیم شاه قرار گرفته بودند در ضمن یک کار تطبیقی است که دو دوره از نظام‌های حاکم بر ایران را مورد بررسی قرار داده است. شیرودی^۵(۱۳۸۱). در مقاله خود با عنوان «انتفاضه و انقلاب اسلامی ایران» به این سوال اصلی می‌پردازد که انقلاب اسلامی ایران چه تاثیری بر مسأله فلسطین و روند انتفاضه داشته است؟ روش انجام پژوهش روش کیفی از نوع تحلیل اسنادی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نظام اسلامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت به صورت بهترین نمونه و مهم‌ترین خواسته سیاسی مبارزان مسلمان فلسطینی درآمده است، جنبش اسلامی فلسطین همانند انقلاب اسلامی ایران از مسجد و اماکن دینی سرچشمه می‌گیرد، امروزه پیروان انقلاب اسلامی بر لزوم وحدت همه قشرها و مذاهب برای نیل به پیروزی در جنبش اسلامی فلسطین پای می‌فشارند. (شیرودی، ۱۳۸۵: ۵). گل محمدی^۶(۱۳۸۱). در مقاله خود با عنوان «روابط ایران و اسرائیل به روایت اسناد نخست وزیری» این سوال اصلی را مطرح می‌کند که ایران و اسرائیل چه روابط و مناسبات سیاسی با همدیگر داشته‌اند؟ روش انجام پژوهش روش کیفی از نوع تحلیل اسنادی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در سال‌های پایانی رژیم پهلوی شاه و دیگر مقامات عالی رتبه رژیم همچنان درصدد گسترش همکاری‌های بین و ایران و اسرائیل بودند. باخیزش قهرآمیز ملت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی(ره) نه تنها به این گونه روابط پایان داده شد بلکه مبارزه با صهیونیست‌های

اشغالگر و آزادساختن قدس عزیز که به سبب سازش کاری و محافظه کاری دول عربی هنوز عملی نشده بود در دستور کار وزارت امور خارجه قرار گرفت. (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۰۴).

عرب عامری و جوادی ارجمند^۷ (۱۳۹۵). در مقاله خود باعنوان «بررسی تطبیقی نگاه به اسرائیل در گفتمان سیاست خارجی ایران (مطالعه موردی گفتمان غرب گرایی پهلوی دوم و گفتمان سیاسی امام خمینی(ره))» این سوال اصلی را مطرح می‌کند که چه علل و عواملی اسرائیل را مبدل به یک دشمن پایدار در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ساخته است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نگاه به اسرائیل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را باید در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی مورد ملاحظه قرار داد از این رو پیش از آنکه این تضاد در قالب رقابت‌های راهبردی طرفین قابل تبیین و تفسیر باشد، تلقی از اسرائیل در گفتمان سیاست خارجی غرب گرای پهلوی دوم به مثابه خودی است که نقش مهمی در بر ساخته شدن اسرائیل به عنوان دیگری یا غیر در گفتمان سیاست خارجی اسلام سیاسی امام خمینی داشته است. (عرب عامری، جوادی ارجمند، ۱۳۹۵: ۱۰). آهویی^۸ (۱۳۸۸). در مقاله خود باعنوان «تحول نگاه ایرانی به رژیم صهیونیستی» این سوال اصلی را مطرح می‌کند که رویکرد روشن فکران ایرانی در قبال مساله فلسطین از گذشته تا به حال چگونه بوده است؟ روش انجام تحقیق روش کیفی از نوع تحلیل اسنادی است یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بررسی تحول مجموعه گفتمان نخبگان سیاسی ایران در قبال رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که همگی آنان این رژیم را زاید و نماینده مستقیم غرب در خاورمیانه می‌دانسته‌اند، از نگاه نخبگان ایران رژیم صهیونیستی هم نمادی از تمدن و فرهنگ غرب و هم زایدی از قدرت‌های بزرگ غربی به ویژه ایالات متحده امریکا و بریتانیا و قدرت استعمارگر جدید و قدیم است (آهویی، ۱۳۸۸: ۲۵). برزگر^۹ (۱۳۸۳). در مقاله خود با عنوان «مساله فلسطین در اندیشه سیاسی اسلام معاصرو روش جستاری اسپیریگنز»، به این سوال اصلی می‌پردازد که آرایه نگرشی اندیشه شناختی و متدولوژیک به مساله فلسطین و کاربرد نظریه و تحلیل سیاست و تعامل دین و دولت چگونه است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که گوناگونی پاسخ دولت‌ها از یک مرحله به طور منفرد یا چند مرحله از مراحل مساله بودن یا نبودن، دلیل شناسی، آرمان شناسی و راه حل شناسی، به صورت مجتمع نشان می‌دهد جایگاه ایدولوژیک ناسیونالیسم عربی و اسلام سیاسی در حل مساله فلسطین و نقش آن در افت و خیز گرایش‌های سیاسی، هم ورزی اندیشه‌ها با واقعیت‌ها و منافع و نیز پویای نگرش‌ها و رفتارهای دولت‌ها درون مایه این مقاله است. مصطفوی^{۱۰} (۱۳۹۳). در کتاب خود با عنوان «فلسطین در اندیشه سیاسی و الهی امام خمینی(ره)» به این سوال اصلی می‌پردازد که نیت امام خمینی در پرداختن به مساله فلسطین چه بوده است؟ روش انجام تحقیق روش کیفی از نوع تحلیل

تطبیق دیدگاه رژیم پهلوی و انقلابیون درباره مسأله فلسطین/میرزایی‌منش و پیرانی

اسنادی است، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که قضیه فلسطین در حیات سیاسی و الهی امام خمینی (ره) جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده است تا بدان پایه که اگر قضیه فلسطین را از کارنامه اندیشه و عمل ایشان حذف کنیم، با توجه به تاکید فرمان الهی در برپایی قسط به عنوان تکلیفی الهی بر همه خاصه پیامبران و رهبران الهی جوامع، می‌توان گفت که دیگر آن نقش و تاثیری را که اکنون به عنوان رهبر انقلاب اسلامی در خیزش ملت ایران علیه حکومت جور آن زمان و ملت‌های مسلمان منطبقه علیه مستکبران دارد، نخواهد داشت. (مصطفوی، ۱۳۹۳: ۲).

پژوهش‌های فوق هر کدام از یک منظر به قضیه فلسطین پرداخته‌اند ولیکن هیچ کدام نگاه تطبیقی از جهت مقایسه دو دیدگاه سیاسی در داخل ایران دوان پهلوی نداشته‌اند. لذا این پژوهش از این جهت که به بررسی دیدگاه رژیم پهلوی و انقلابیون در دوران پهلوی در چارچوب نظریه واقع‌گرایی و ایده‌الیسم می‌پردازد دارای اهمیت است و سعی دارد که با استفاده از این دو مبانی نظری به بررسی دیدگاه این دو گروه بپردازد.

مبانی نظری تحقیق

انتخاب رویکرد نظری مناسب یکی از مباحث اساسی در هر پژوهشی است، ما در این پژوهش به دو نظریه مهم واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی برای ارزیابی سیاست و مواضع رژیم پهلوی و انقلابیون در قبال مسأله فلسطین خواهیم پرداخت.

واقع‌گرایی (رنالیسم)

رنالیسم یکی از مهم‌ترین و مطرح‌ترین و ماندگارترین نظریه‌های روابط بین‌الملل است که دارای داعیه جهان‌شمولی است. نظریه‌ای است دولت محور که دولت را بازیگران اصلی می‌داند و روابط بین‌الملل را به بی‌نظمی متهم می‌کند و معتقد است که یک مرجع اقتدار مرکزی در روابط بین‌الملل وجود ندارد و دولت‌ها خودشان را برتر از همه چیز می‌دانند. رنالیست‌ها قدرت محور هستند، یعنی دولت‌ها در روابط بین‌الملل به دنبال پیشینه کردن قدرت خود هستند، همچنین هر کشور را یک واحد عاقل و بسیط می‌دانند که تصمیم‌گیری در سطح ملی انجام می‌دهند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۵). مفروضات دیدگاه رنالیست: تصویر نسبتاً تیره نظام بین‌الملل میدان مبارزه است و در آن کشورها به صورت بی‌رحمانه‌ای به دنبال فرصت‌های می‌باشند تا بتوانند از یکدیگر بهره‌برده و امتیاز بگیرند و در این میان اعتماد جایی ندارد. صلح اصیل، یعنی جهانی که در آن کشورها برای قدرت با یکدیگر رقابت نداشته باشند امکان پذیر نیست، کشورها ذاتاً دارای مقداری توانمندی نظامی تهاجمی هستند که قابلیت آسیب

رساندن و احتمالاً نابود کردن یکدیگر به آنها اعطا می‌کند. چهار عنصر فکری نظریه رئالیستی عبارتند از: دولت محوری، قدرت محوری، وضع طبیعی، موازنه قوا (لاریجانی، امیری مقدم، ۱۳۸: ۱۴۰-۱۳۷). دو نوع مهم واقع‌گرایی: واقع‌گرایی کلاسیک و واقع‌گرایی نئورئالیسم (ساختاری). واقع‌گرایی کلاسیک در آثار هانس جی. مورگنتا مطرح شده است، که به آن رئالیسم فطری بشر نیز گفته می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۹۴). بر طبق رئالیسم کلاسیک منافع یک دولت در درجه اول بر اساس قدرت تعریف می‌شود، رئالیسم کلاسیک ریشه قدرت دولت‌ها را در سرشت بشر می‌داند (سیمبر و بهرامی مقدم، ۱۳۹۳: ۱۵). واقع‌گرایی ساختاری از زمره برجسته‌ترین تئوری‌های مطرح در حوزه روابط بین‌الملل به شمار می‌رود که جهت تبیین و کنکاش رخدادها و مسائل حادث در سیاست خارجی کشورها مورد استفاده و استناد قرار گرفته است. لازم به ذکر است که نئورئالیسم در دهه ۱۹۷۰ تلاش بود در جهت علمی کردن واقع‌گرایی و مهم‌ترین نماینده آن کنت والتز^{۱۱} محسوب می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۱۰۸). از نظر والتز دستیابی به امنیت از اهداف اولیه و اساسی قدرت‌های بزرگ به شمار می‌رود و برای رسیدن به این هدف به رفتارهای متنوع و گاه متضادی در سیاست بین‌الملل متوسل می‌شوند، از این رو گاه با رفتارهای تهاجمی برای کسب قدرت با یکدیگر به رقابت بر می‌خیزند چرا که افزایش قدرت را بهترین وسیله برای تضمین بقای خود در ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل می‌دانند (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۶). نواقعی‌گرایی دارای سه خصوصیت اصلی است. اول اینکه فردگرا است، این مشخصه در اتکای وی به قیاس با نظریه‌ی نوکلاسیک اقتصاد خرد مشهود است. ویژگی دوم، مادی‌گرایی آن است، به این صورت که تفاوت در ساختارهای نظام تنها بر اساس تفاوت‌های مادی در تعداد قطب‌ها شکل می‌گیرد. ویژگی سوم آن بی‌توجهی به فرایندهای تعامل است، والتز به شدت به حفظ تمایزی آشکار میان نظریه‌پردازی نظام محور و سطح واحد توجه دارد و به دنبال تبیین فشارها و گرایش‌های جمعی در نظام است و نه کنش‌های دولت‌های خاص (ونت، ۱۳۸۴: ۲۴-۲۵).

نو واقع‌گرایی خود به دو نگرش و شیوه رفتاری، واقع‌گرایی تهاجمی و واقع‌گرایی تدافعی تقسیم می‌شود، واقع‌گرایی تهاجمی که توسط جان مرشایمر^{۱۲} مورد بحث قرار گرفت در پی افزایش قدرت نسبی قدرت‌ها در صحنه‌ی نظام بین‌الملل است، در رئالیسم تهاجمی ساختار نظام بین‌الملل نقش اصلی و تعیین‌کننده دارد و دولت‌ها خواهان افزایش امنیت خود از راه کاهش عامدانه امنیت سایر دولت‌ها هستند و به دنبال افزایش قدرت خصلتی تهاجمی به خود می‌گیرند (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۶). فرض واقع‌گرایی تدافعی این است که آنارشی بین‌المللی کم و بیش خوش‌خیم است، یعنی امنیت چندان نایاب نیست و فراوان است در نتیجه دولت‌ها تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آنها وجود دارد رفتار تهاجمی

تطبیق دیدگاه رژیم پهلوی و انقلابیون درباره مسأله فلسطین/میرزایی منش و پیرانی

خواهند داشت. (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۱۳۳). نظریه پردازان تئوری رئالیسم تدافعی به قدرت‌های بزرگ توصیه می‌کنند که موازنه قوای موجود در نظام بین الملل را حفظ کرده و تلاشی برای افزایش قدرت خود و دگرگونی ساختار موجود در نظام بین‌الملل انجام ندهند (کاظمی، عزیزی، ۱۳۹۰: ۲۵۱). اساسی ترین مسأله در رئالیسم تدافعی دغدغه امنیت است و یک نگاه کاملاً امنیتی دارد به طوری که در نظام آنارشیک بین‌المللی در صدد پاسخ به معمای امنیتی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۷-۳۶). آنارشی باعث می‌شود تا عرصه بین‌المللی به قلمروی مبتنی بر اصل خودیاری تبدیل شود. واقع‌گرایان تدافعی استدلال می‌کنند که در شرایط عادی امکان جنگ در اثر وجود آنارشی بسیار ضعیف است، هر چه هویت گروه قوی‌تر باشد غلبه و انقیاد از طرف سایر گروه‌ها سخت‌تر خواهد بود و هر چه غلبه سخت‌تر باشد دولت‌ها امن‌تر خواهند بود، در جهان واقع‌گرایی تدافعی دولت‌ها در پی امنیت برای رسیدن به آرامش هستند، آنارشی از نظر آن‌ها بی ضررتر از آن چیزی است که رئالیسم‌های تهاجمی بر آن تاکید دارند و فقط در شرایط ترسناک یا به واسطه دولت‌های شرور غیر عقلانی در محیط بین‌المللی خشونت و جنگ به وجود می‌آید (ابراهیمی، اصغری ورزنده، ۱۳۹۵: ۸۵).

آرمان‌گرایی

این مکتب معتقد است که جنگ زاییده و معلول وضع خاص ساخت اجتماع داخلی و جامعه‌ی بین‌المللی است و عقیده دارد که شرط از بین رفتن جنگ تغییر و یا اصلاح ساخت اجتماع اعم از داخلی و یا خارجی است (عامری، ۱۳۵۸: ۱۸۴). از جمله انگاره‌های نظریه ایده‌الیسم می‌توان به: اخلاق‌گرایی، مسالمت‌جویی، صلح‌جهانی، ایدئواستراتژی، اهداف فراملی، امنیت دسته جمعی، خلع سلاح و دیپلماسی اشاره کرد، همچنین این مکتب بر پاک بودن نهاد بشر، دیدگاه ضابطی و تجهیز و ارجعیت جامعه جهانی بر دولت‌ها استوار است و نسبت به نهاد بشر و طبیعت انسانی نگرش خوشبینانه دارد و اصول والایی اخلاقی را مورد توجه مضاعف قرار می‌دهد (دهشیری، ۱۳۷۴: ۳۳۰-۳۳۴). آن‌ها قدرت اخلاق را موثرتر از قدرت مادی می‌دانند، قدرت اخلاق را بیشتر باعث جلب همکاری می‌دانند (قربان زاده سوار، شریعتمداری، ۱۳۹۵: ۸۶). آن‌ها بشر را ذاتاً خوب و خیر خواه می‌دانند و معتقدند که از طریق گسترش سازمان‌های صحیح سیاسی، انتخاب رهبران دموکراتیک و صلح دوست و تربیت صحیح و ایجاد محیط مساعد می‌توان جنگ و ستیز را از صحنه اجتماع بین‌الملل ریشه کن کرد و محو نمود (بهبادی‌مددی، ۱۳۷۳: ۱۷۲-۱۷۰). در دیدگاه ایده‌الیسم این جامعه جهانی است که مورد تاکید قرار می‌گیرد نه نظام بین‌المللی، جامعه‌ی جهانی که به تعبیر هدلی بال از همگنی برخوردار و از ستیزش عاری است. این جامعه ایده‌ال تپ را می‌توان از دو منظر محیط بین‌الملل که مسالمت‌آمیز بوده و عاری از نیروهای گریز

از مرکز است، و همچنین بینش فرا که اصول رفتار بین‌المللی همکاری جویانه تسهیل می‌شود، صلح بشری و امنیت جهانی تحقق می‌یابد. به همین دلیل در نظریه آرمان‌گرایی جامعه جهانی در مقایسه با دولت-ملت‌ها از اولویت برخوردار است (دهشیری، ۱۳۷۸: ۳۴-۳۵).

آرمان‌گرایی امت محور

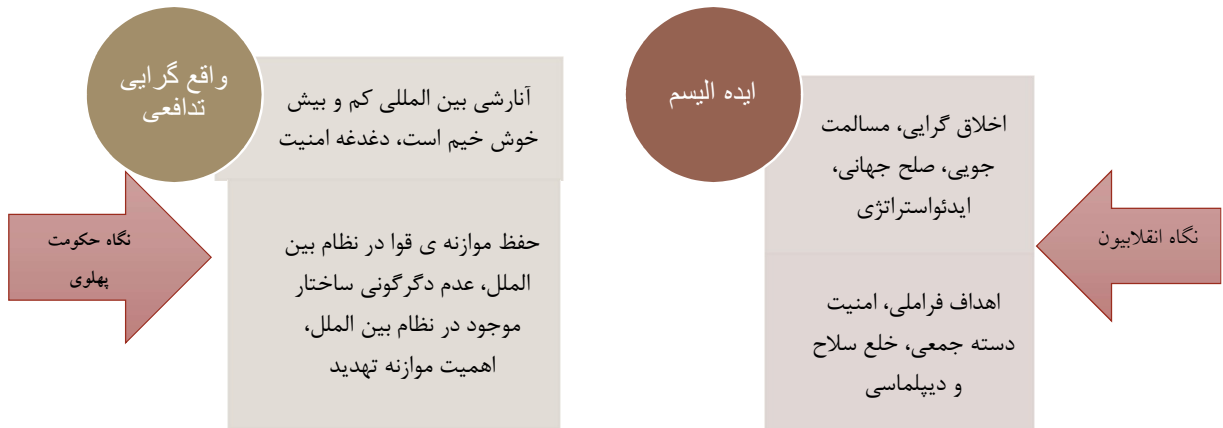
امت در بین مسلمانان به معنای وفاداری دینی شناخته می‌شود، به این معنی که به تفاوت‌های مذهبی و فرقه‌ای و قومی و ... توجه نمی‌شود. امت یک پدیده فرا ملی، فرا دولتی و فرا قومی است. این مفهوم چیزی جدایی از تاریخ مشترک یک قوم است که بخاطر اشتراکات خود گرد هم آمده‌اند و حس تعهد بخاطر مکان مشترک در بین آن‌ها به وجود آمده باشد، بلکه امت یک نگاه فراتر از بعد سرزمینی به قضیه دارد و شامل گروه وسیعی از مردم است که برای یک هدف مشترک قدم در راه گذاشته‌اند (خانی، ۱۳۹۳: ۱۲-۱۳). در این تعریف از امت که به اعتقاد بعضی متفکران یک تعریف ایدئولوژیک است، مرز بین افراد را عقیده آن‌ها تعیین می‌کند نه جا و مکان مشترک (زارعی، ۱۳۹۰: ۱۵۵). در تفاوت امت با جامعه آورده شده است که امت را پیروان یک دین می‌گویند که دارای رویکرد فکری مشترکی هستند ولیکن جامعه به سبب اشتراک در سرزمین با هم دیگر دارای اشتراکات فرهنگی هستند که آن‌ها را از جامعه دیگر جدا می‌کند. امت در سایه اراده‌ی زندگی با هم شکل می‌گیرد، این اراده همان است که در قرآن به عنوان روابط اجتماعی ترسیم شده است از این نظر چیز که امت اسلامی را به هم وابسته می‌کند ایمان و باوری است که هر کدام به خدایی تعالی دارند (زارعی، ۱۳۹۰: ۱۵۶-۱۵۵).

آرمان‌گرایی ملت محور

ملی‌گرایی متأثر از بعد زبانی، جغرافیایی، فرهنگی و نژادی است و تاکید آن بر حاکمیت مردمی سکولاریسم است به طوری که بر نظام دولت-ملت برای پیش‌گیری از کسب منفعت توسط دیگران تاکید می‌کند و بر رسیدن خود به منفعت پافشاری می‌کند. در این نظریه نگاه به دیگران نگاهی خصومت آمیز است و خود را نسبت به همه برتر می‌داند. افراد در این نگاه بر اساس فرهنگ و نژاد طبقه بندی می‌شوند و انسان‌ها بر حسب با انواع مختلف تبعیض رو به رو هستند. در این گفتمان همگن سازی رنگ می‌بازد و در جهت مخالفت با آن حرکت می‌کند (زارعی، ۱۳۹۰: ۱۶۱-۱۶۲).

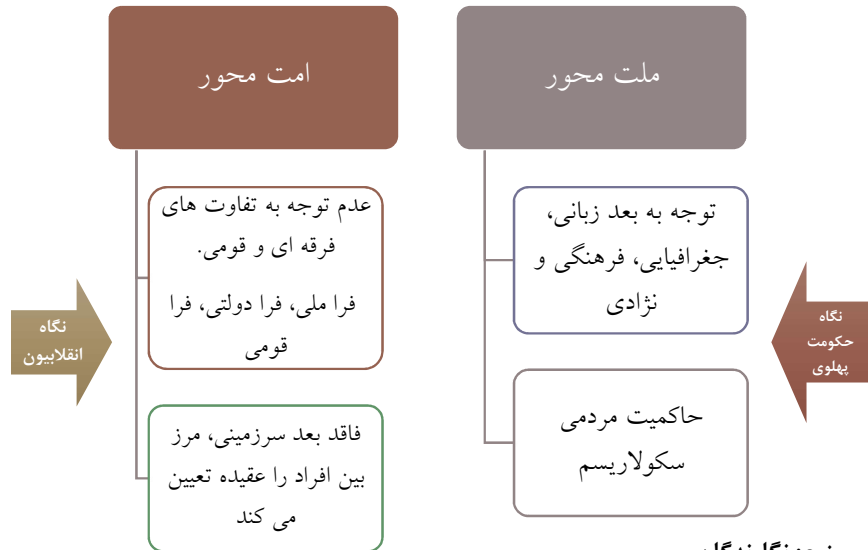
تطبيق دیدگاه رژیم پهلوی و انقلابیون درباره مسأله فلسطین/میرزایی منش و پیرانی

جدول ۱: مفروضات دو دیدگاه نظری ایده‌الیسم و واقع‌گرایی تدافعی



منبع: نگارندگان

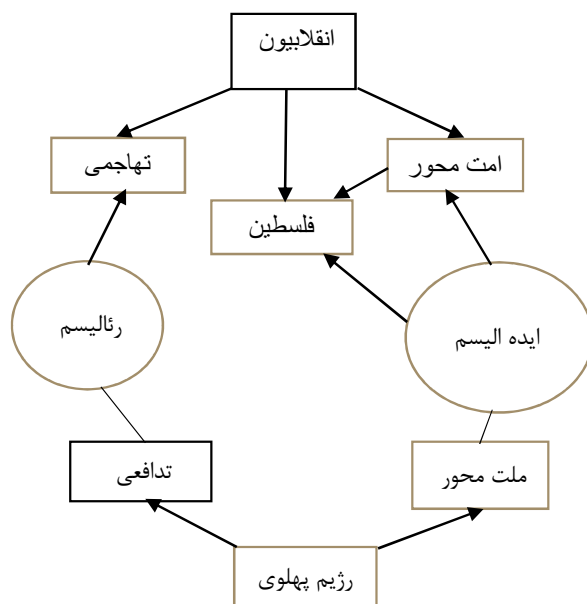
جدول ۲: مفروضات دیدگاه نظری آرمان‌گرایی امت محور و آرمان‌گرایی ملت محور



منبع: نگارندگان

مدل نظری

مدل نظری که از دل مباحث بیان شده در مبانی نظری استخراج شده کاملاً نشان می‌دهد که نگاه حکومت پهلوی به مساله فلسطین یک نگاه ملت محوری بر پایه ی دیدگاه واقع گرایی تدافعی است که در مقابل دیدگاه امت محوری انقلابیون قرار دارد با موضع ایده الیسم و صلح جهانی.



نمودار ۱: مدل نظری دیدگاه و مواضع حکومت پهلوی و انقلابیون درباره مساله فلسطین (منبع: نگارندگان)

روش‌شناسی

تحقیق حاضر بر اساس هدف «بنیادی» و بر اساس ماهیت و روش، «کیفی» از نوع تحلیل تاریخی و اسنادی است، به این معنی که داده‌ها از طریق کتب و مقالات متناسب با موضوع با ابزار فیش برداری جمع‌آوری شده است.

یافته‌های تحقیق

موضع حکومت پهلوی

روابط ایران و اسرائیل در ابتدای امر همواره با فراز و نشیب‌های همراه بوده است، در این حکومت با وجود مخالفت‌های گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه، دو طرف با همدیگر همکاری داشتند. روابط ایران و

تطبیق دیدگاه رژیم پهلوی و انقلابیون درباره مسأله فلسطین/میرزایی‌منش و پیرانی

رژیم اسرائیل در این دوره بسیار حساس بود و حالت پنهانی به خود داشت، در واقع نمود برجسته ای از پنهان کاری های سیاسی و ظاهر سازی عوام فریبانه بود. و با وجود نارضایتی افکار عمومی داخلی که در قسمت قبل تشریح شده و همچنین اعتراضات دولت های عرب حدود سی سال دوام آورد. اولین موضع گیری ایران در قبال مسأله فلسطین در خصوص طرح تقسیم فلسطین در کمیسیون مجمع عمومی سازمان ملل متحد بود، در این کمیسیون که با حضور یازده کشور برگزار شده بود، رای ایران به تقسیم فلسطین منفی بود. نمایندگان ایران در این کمیسیون اعلام کردند که «با هر پیشنهادی که مخالف روح منشور باشد مخالفت خواهند کرد» (فلاح نژاد، ۱۳۸۱: ۲۵).

فضل الله نورالدین کیا^{۱۳} که از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ به عنوان سرکنسول یار ایران در فلسطین خدمت می کرده است، در مورد اینکه چرا و به چه دلیل نمایندگی ایران نظری خلاف نظر بقیه دول گرفته در کتاب خاطرات خدمت خود در فلسطین آورده است: «اول اینکه، چون اعراب با ایران از قدیم داری روابط و مناسبات مختلفی بوده است و بالاخص اینکه ما با اعراب دارای یک وجه اشتراک مذهب هستیم که ما را دارای منافع مشترک با هم می کند، لذا دولت ایران نمی توانسته با اعراب مخالفت نماید. دوم: نمایندگان ایران با توجه به اینکه یهود ثروت و نفوذ زیادی در دنیا دارد و بخاطر منافع ملی، به طور صریح با یهود مخالفت نکرده و بخاطر اینکه به طرفداری از یهود و یا اعراب هم متهم نشود، به نوعی از هر دوی آنها هم دفاع کرده باشد، لذا نظر دولت های هند و یوگسلاوی را جلب کرده و یک کشور ائتلافی را پیشنهاد نمود. در واقع می توان گفت که دولت ایران با این پیشنهاد طرفدار هیچ کدام از اعراب و یهود نبوده و یک نظر بی طرفانه را ارایه کرده است» (نورالدین کیا، ۱۳۷۷: ۱۵۸-۱۵۵).

از این زمان تا سال ۱۳۲۸ که یک سال از تاسیس رژیم اسرائیل می گذشت، سیاست ایران در قبال اسرائیل نامشخص بود تا اینکه موشه شرتوک وزیر امور خارجه اسرائیل با ارسال تلگرافی به وزیر امور خارجه ایران ضمن اعلام تاسیس کشور یهود از آن مقام خواستار شناسایی اسرائیل شد و در پایان از دولت ایران درخواست داشت که ملاحظاتی لازم را در جهت مراجعت یهودیان به کشور خود را مبذول دارد (نورالدین کیا، ۱۳۷۷: ۱۶۲-۱۶۱).

دولت ایران با تاسیس رژیم صهیونیستی بر آن شد که مواضع خود را نسبت به قضیه فلسطین تغییر دهد، چرا که برخورداری از اصل چهارم ترومن (کمک های مالی و اقتصادی) برای مقامات ایرانی حایز اهمیت بود و تنها با شناسایی اسرائیل ممکن می شد، از طرف دیگر حفظ روابط دوستانه با کشورهای اسلامی نیز برای ایران مهم و حیاتی بود و اما به غیر از کمک های مالی و اقتصادی اصل ترومن دلایل دیگری نیز وجود داشت که ایران را بیشتر و بیشتر ترغیب می کرد که به شناسایی اسرائیل اقدام کند، از

جمله اوضاع اتباع ایرانی در اسرائیل بود که بخاطر جنگ اعراب صدمات به آنها وارد شده بود و دولت اسرائیل حاضر نبود تا وقتی که ایران شناسایی دولتش را اعلام کند، در صدد جبران خسارت برآید (نجاری راد، ۱۳۸۱: ۳۰-۲۸). سرانجام دولت محمد ساعد مراغه‌ای^{۱۴} اوضاع را برای شناسایی اسرائیل مساعد دیده و در ۲۴ اسفند ۱۳۲۸ با انتشار بیانیه‌ای، شناسایی اسرائیل را به صورت دو فاکتو اعلام کرد (زارع، ۱۳۸۴: ۶۲-۶۱). این اقدام باعث واکنش‌های تندی از سوی نمایندگان مجلس شد آن‌ها محمد ساعد را از اینکه بدون مشورت با مجلس و دولت به همچنین تصمیم مهمی مبادرت ورزیده سخت تاختند و از او برای توضیح بیشتر خواستند که در مجلس حاضر شود، او دلیل کار خود را وضعیت نابسامان ایرانیان مقیم فلسطین و ضرورت بررسی وضع آن‌ها که منوط به اعزام نماینده از ایران بود، اعلام کرد و در آخر هم بیان داشت که ایران در طول تاریخ دارای سیاست خارجی مستقل بوده و درست نیست که الان برای این تصمیمات منتظر نظر و رای بقیه کشورها بماند نظر به این دلایل تصمیم به شناسایی گرفته شده است. (فلاح نژاد، ۱۳۸۱: ۳۲). این موضع حکومت پهلوی را می توان یک نوع نگاه ناسیونالیست دانست که ارجحیت را بیشتر به ملت خود و امنیت داخلی می داد و تاکید بر ماهیت ایرانی بودن و دفاع از ایرانی می کرد که این خود باعث می شد از جهت تدافعی با قضیه برخورد کند، ولیکن با شدت گرفتن اعتراضات نمایندگان مجلس، خواستار تجدید نظر درباره شناسایی اسرائیل شدند و تصویب آن را به شرط تصویب مجلس قبول دارند به همین دلیل «علی اصغر حکمت» وزیر امور خارجه وقت، لغو شناسایی اسرائیل را لازم دانسته و تجدید نظر در این باره را خواستار شدند (فلاح نژاد، ۱۳۸۱: ۳۳-۳۲). با دیدن اعتراضات نمایندگان مجلس و همچنین نارضایتی مردم از این اقدام، دولت مصدق در تاریخ ۱۵ تیر ماه ۱۳۳۰ اقدام به پس گیری شناسایی اسرائیل می کند و دستور انحلال کنسولگری ایران در اسرائیل را داد (زارع، ۱۳۸۴: ۷۶). ولیکن متأسفانه این اقدام دیری نباید و با سقوط دولت مصدق به دنبال کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و روی کار آمدن فضل الله زاهدی^{۱۵}، شاه قدرت خود را به دست می آورد و روابط با اسرائیل روندی گسترده تر و بیشتر از قبل مورد استقبال قرار می گیرد (تقی پور، ۱۳۹۰: ۳۰۷). در داخل ایران شاه می بایست به اصلاحات مورد نظر امریکا می پرداخت و از جهت خارجی باید روابط خود را با اسرائیل گسترش می داد، به همین دلیل با رحلت آیت الله بروجردی در فروردین ۱۳۴۰ زمان را برای اجرای اصلاحات فراهم دید (کشاورزی نیا، ۱۳۹۸: ۲۶۷). اگر بخواهیم یک نگاه مقایسه‌ای داشته باشیم می توان گفت که سیاست خارجی رژیم پهلوی در قبال مسئله فلسطین و اعراب و اسرائیل، در جهت ناسیونالیستی و واقع گرایانه بود در این دوران به منافع و امنیت ملی در قالب ملی گرایانه نگریده می شد و در سیاست خارجی بر محاسبه سود و زیان توجه می شد (اسدی، ۱۳۸۴: ۵۲-۵۶). با این نگاه رژیم پهلوی روابط با اسرائیل را

تطبیق دیدگاه رژیم پهلوی و انقلابیون درباره مسأله فلسطین/میرزایی‌منش و پیرانی

در ابعاد مختلفی چه در زمان شناسایی غیررسمی و دوفاکتو و چه بعد از آن و در زمان پس‌گیری شناسایی و چه در زمان برقراری مجدد روابط متعاقب کودتای ۲۸ مرداد در ۱۳۳۲ با پستی بلندی‌های ولی همچنان برقرار می‌کرد و ایران از امتیاز برقراری رابطه با اسرائیل در جهت کسب حمایت از کشورهای غربی مثل امریکا استفاده می‌کرد.

رژیم پهلوی و رژیم اسرائیل در ابعاد مختلف اطلاعاتی-امنیتی، اقتصادی و نظامی همکاری داشته‌اند که نشان می‌دهد سیاست خارجی کشور در این دوران، درون‌گرا، ملی‌گرا و واقع‌گرا بوده است به این معنی که در درجه اول به درون کشور و مردم توجه می‌شده است (اسدی، ۱۳۸۴: ۵۶).

موضع انقلابیون

بعد از تقسیم فلسطین به دو دولت عرب و یهود و شناسایی اسرائیل به صورت دو فاکتو توسط ایران، موج مخالفت‌های داخلی ایران در خصوص اقدام حکومت به شناسایی اسرائیل به پا شد. نمایندگان مجلس، مردم، روحانیون و همه کسانی که در مسأله فلسطین خود را مسول می‌دانستند نسبت به این تصمیم واکنش نشان دادند.

این رهبران انقلابی خواهان برپای صلح جهانی و دوری از جنگ و مخاصمه در تمامی سرزمین‌های اسلامی بودند و همه براین دیدگاه اتفاق نظر داشتند که اسرائیل غاصب و متجاوز است و نباید حمایت شود. با بروز اعتراضات مردم و بیانیه‌های روحانیون در راس آن‌ها آیت الله کاشانی^{۱۶}، نماینده ایران از مجمع خواست که یک فرصت دیگر داده شود تا گروه دیگری برای بررسی مسأله به فلسطین بیاید ولیکن مجمع عمومی این پیشنهاد را رد کرد. (ازغندی، ۱۳۹۵: ۴۰۹). آیت الله کاشانی در جریان شناسایی اسرائیل از سوی دولت ایران ساکت ننشستند و در اعتراض به این عمل گفتند: «ما با دولت کاری نداریم، دولت اگر بخواهد اقدام به شناسایی اسرائیل کند، مردم ایران مسلمان بخاطر تکلیف دینی خود ساکت نخواهند ماند و قیام خواهند کرد و به این منظور برای مبارزه با یهودیان اسرائیل تشکیلاتی را به وجود آورده‌ایم» (م. دهنوی، ۱۳۶۱: ۳۵-۳۰). ایشان به اخلاق‌گرایی و صلح جهانی که از انگاره‌های نظریه ایده‌الیسم هست اعتقاد داشتند و نسبت به نهاد بشر و طبیعت انسان نگرش خوشبینانه داشتند و اصول والای اخلاقی را مورد توجه قرار می‌دادند. به همین دلیل چندین بار مردم را علیه تشکیل دولت اسرائیل به تظاهرات دعوت کردند، ایشان در این تظاهرات به ایراد سخنرانی می‌پرداختند و ضمن بیان ارزش‌های همدمی و همیاری و حفظ شئون اجتماعی و سیاسی کشورهای اسلامی از نظر دین مبین اسلام، به بیان اهمیت اتحاد و یگانگی و برادری مسلمانان جهان در دفاع از فلسطین و جلوگیری از تشکیل رژیم غاصب اسرائیلی پرداختند و همه را در این راه به وحدت دعوت می‌کردند (مدنی، بی تا: ۴-۵). آیت الله کاشانی

به عنوان رهبر مذهبی نهضت، در پس گیری شناسایی اسرائیل نقش تاثیر گذاری داشتند. ایشان طی اعلامیه‌ی بیان داشتند که «شناسایی اسرائیل از طرف حکومت سابق ایران که یک دولت انگلیسی بود را پس می‌گیریم» بنابراین همه کشورهای اسلامی باید در جهت درهم شکستن اسرائیل و باز پس گیری شهرهای غصب شده توسط اسرائیل با هم دیگر هماهنگ و متحد شوند (م.دهنوی، ۱۳۶۱: ۱۸۲). سرانجام در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت در دوران حکومت دکتر مصدق^{۱۷} مجددا اعتراضاتی از جانب نمایندگان مجلس به این امر صورت گرفت و در تیر ماه ۱۳۳۰ دولت اعلام کرد که شناسایی اسرائیل را پس گرفته است (نجاری راد، ۱۳۸۱: ۵۳). نگاه آیت الله کاشانی به قضیه فلسطین نگاهی امت محور که قضیه را یک پدیده فراملی، فرا دولتی و فرا قومی می‌داند و بعد سرزمینی در آن دخالتی ندارد، بر همین اساس زمانی که عده‌ای براین باور بودند که مشکل فلسطین به جهان عرب مربوط می‌شود، ایشان در جواب بیان می‌داشتند که «آن دسته از مردمی که به فکر منافع و مصالح شخصی خود هستند و نسبت به امور بی اعتنا هستند، اینها باید بدانند که گوشه‌گیری و توجه نکردن به امور مسلمین در اسلام گناهی است بزرگ و نزد خداوند مسول خواهند بود». بنابراین آیت الله کاشانی مساله فلسطین را مساله جهان اسلام دانستند که به نظر ایشان همه مناطق اسلامی واجب است که در مقابل رژیم صهیونیستی بایستند (تقی زاده، ۱۳۸۸: ۳۴۱).

از دیگر رهبران انقلابی در داخل ایران که نسبت به رابطه رژیم پهلوی با اسرائیل واکنش نشان داد آیت الله خمینی^{۱۸} (ره) بودند. اولین موضع رسمی امام، هم‌زمان بود با آغاز مبارزات سیاسی ایشان با رژیم پهلوی در ارتباط با عدم تحریم نفتی اسرائیل و قطع روابط دیپلماتیک با آن. در واقع یکی از مخالفت‌های امام با رژیم پهلوی نزدیکی آن با اسرائیل و عملکرد بد دستگاه سیاست خارجی آن‌ها در قبال اسرائیل و فلسطین بود (پاشاپور، ۱۳۸۱: ۵۲). ایشان در سخنرانی در جمع روحانیون و اهالی قم در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ بیان داشتند «روابط ما بین شاه و اسرائیل چیست؟ که سازمان ملل می‌گوید از اسرائیل حرف نزنید از شاه هم حرف نزنید این دو تا تناسبشان چیست؟ مگر شاه اسرائیلی است؟» (www.roudad24.ir).

امام خمینی بحران فلسطین را در راس مصیبت‌های عالم اسلام می‌داند و به همه مسلمانان جهان توصیه می‌کند که به فکر نجات فلسطین باشند، امام خمینی سه راه حل برای بحران فلسطین بیان کرده‌اند که اولین آن‌ها آگاهی و بیداری مسلمین است، برای نجات خودشان باید به این بیداری و آگاهی برسند، به نظر ایشان لازم است که مظلومان و مستضعفان عالم با استفاده از اسلام به دشمنی استکبار و ابرقدرت‌های دنیا پی ببرند، ایشان همچنین ایجاد کننده این بیداری و آگاهی را علما و دانشمندان اسلامی می‌داند و می‌فرماید: «باید کاری کرد که ملت‌ها هرجا هستند- ملت‌ها بفهمند تکلیف خودشان را. اگر

تطبیق دیدگاه رژیم پهلوی و انقلابیون درباره مسأله فلسطین/میرزایی‌منش و پیرانی

بخواهید و بخواهند و دانشمندان بخواهند و علمای همه بلاد اسلامی بدانند مشکل اسلام و ممالک اسلامی حل بشود، باید مردم را بیدار کنند باید از مغز ملت‌ها این نمی‌شودها را بیرون کرد و به جای آن می‌شودها را گذاشت» (صحیفه امام، ج ۲، ۸۶-۸۵). ایشان دومین گام برای نجات فلسطین را وحدت بین مسلمین بیان می‌کند و تفرقه و جدایی را عامل تمام گرفتاری‌ها می‌داند و رمز موفقیت را در اتحاد کلمه و هماهنگی عنوان می‌کند. ایشان گام سوم را برای نجات ملت مظلوم فلسطین، مبارزه مسلمانان با رژیم اشغال‌گر صهیونیستی می‌داند. امام خمینی (ره) اشغال فلسطین را برای اسرائیل پایان راه نمی‌دید و رژیم اسرائیل را یک رژیم توسعه طلب می‌دانست که با کمک کشورهای استعمارگر برای اشغال تمام کشورهای عربی ایجاد شده است، به تعبیر امام تبلیغات و دسایس سوء و همه جانبه در کار است؛ دست‌های ناپاک اذتاب استعمار به فعالیت مشغول است که طوایف مسلمین را از این گروه فداکار جدا کند و آنان را از مراکز حساس سوق‌الجهشی که امکان عملیات و ضربه زدن به قوای غاصب اسرائیل از آنجا میسر است بیرون براند. امام خمینی معتقد بود که اگر سران کشورهای اسلامی و خصوص دولت‌های عربی، با وحدت کلمه در دفع اسرائیل کوشش نکنند این جریان در سایر کشورهای مشابه هم عمل می‌شود (تبیان، ۱۳۹۲ ج ۴: ۷-۸). در همین رابطه امام خمینی (ره) بیان می‌دارند که:

« من کرارا تذکر داده‌ام که اسرائیل از نیل تا فرات را از آن خود می‌داند و شما را غاصب سرزمین‌های خویش می‌شمرد» (صحیفه نور، ج ۱۹ ص: ۱۰).

ایشان در پیامی که در تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۴۶ در نجف اشرف خطاب به دولت‌های اسلامی در رابطه با تحریم و فروش اسلحه، نفت و رابطه تجاری و سیاسی با اسرائیل داشتند، آن‌ها را (دول اسلامی) به اتحاد و برادری دعوت نمود و دولت ایران را از اسرائیل و اعمال خطرناک آن تحذیر نمود و بیان داشتند که اسرائیل این ماده فساد، بر ضد ممالک اسلامی قیام مسلحانه به پا کرده است و بر دول اسلامی لازم است که آن را ریشه‌کن کنند. « کمک‌به اسرائیل چه فروش اسلحه و مواد منفجره و چه فروش نفت حرام و مخالفت با اسلام است، رابطه با اسرائیل و عمال آن چه رابطه تجاری و چه رابطه سیاسی حرام و مخالفت با اسلام است» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ج ۲ ص ۱۳۹). در همین رابطه امام خمینی (ره) بیان می‌دارند که:

«این شاه است که نفت ایران را به دشمنان اسلام و بشریت تسلیم کرده تا در جنگ با مسلمین و اعراب غیور به کار برند، و با قرارداد رسوای اخیر و افزایش استخراج نفت، به مبارزه علیه کشورهای نفت خیزی که می‌خواهند از حربه نفت علیه امریکا استفاده کنند برخاسته است. و بالاخره این غارتگریها، خریدن میلیاردها دلار اسلحه و جشن‌های کمرشکن و پی درپی شاه است که موجب بالا رفتن هزینه زندگی و گرانی سرسام آور اجناس گردیده، ایران را به قحطی سیاه تهدید می‌کند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ج ۳ ص ۶).

ایشان در مصاحبه با خبرنگاران آسوشیتدپرس، فیگارو، میامی هرالد و روزنامه یونانی «ای. تی. ا» که در ۱۴ دی ۱۳۵۷ در پاریس (نوفل لوشاتو) داشتند، اسرائیل را یک کشور غاصب معرفی کردند که هیچ گونه رابطه‌ای با ایران نخواهد داشت و بیان داشتند: «چه کسی حاضر است به یک کشور نژادپرست جنایتکار نفت بفروشد؟» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ج ۵ ص ۳۴۰). ایشان در مصاحبه‌ای که با تلویزیون «پی. بی. اس» در تاریخ ۵۷/۹/۱۰ داشتند، در جواب سوال [اگر چنانچه شاه برود و دولت حضرت‌عالی روی کار آید، چه تغییری در روابط شما با اسرائیل رخ خواهد داد؟] فرمودند: ما رابطه‌ای با اسرائیل نخواهیم داشت و او را طرد خواهیم کرد، اسرائیل یک دولت غاصب است و با ما دشمن است. در ادامه همین مصاحبه در جواب سوال [اسرائیل دیگر از ایران نفت دریافت نخواهد کرد؟] صراحتاً بیان داشتند: نه دریافت نخواهد کرد. همچنین ایشان در مصاحبه با تلویزیون «سی. بی. اس» در تاریخ ۵۷/۹/۲۰ فرمودند: «اسرائیل مطرود ماست و برای همیشه نه نفت به او می‌دهیم و نه آن را به هیچ وجه می‌شناسیم» (تبیان، ۱۳۹۲: ۱۱۳-۱۱۲). امام خمینی(ره) در مصاحبه با مجله الاقتصاد العربی درباره بازگشت به ایران در ۸ آذر ۱۳۵۷، حمایت‌های بی دریغ شاه از اسرائیل را علت قیام مردم دانستند و بیان داشتند «شاه نفت اسرائیل را تامین می‌کند، ایران را بازار مصرف کالاهای اسرائیل کرده است و برای فریب افکار جهانی صرفاً به محکوم کردن اسرائیل می‌پردازد» (<http://emam.com>).

از دیگر اشخاص تاثیر گذار بر مساله فلسطين و رد رابطه با اسرائیل می‌توان از آیت الله مطهری^{۱۹} نام برد که با سخنرانی‌ها و روشنگری‌های خود اذهان عمومی را درباره مساله فلسطين و غاصب بودن اسرائیل بیدار می‌کرد آیت الله مطهری، عدم همبستگی و وحدت را از آسیب‌های جوامع اسلامی دانسته و همین امر را از عواملی دانستند که باعث شد مسلمانان از جایگاه واقعی خود دور شوند و همین پایین بودن روحیه همبستگی در بین آن‌ها مصیبتی است که باعث مشکلات فراوانی شده است، ایشان خاطر نشان کردند: اکنون در این زمان همان طور که می‌بینیم استکبار و صهیونیسم یکی شده‌اند تا در جهان اسلام با فتنه‌گری خود و نفوذ سیاسی و نظامی بر قسمت‌های مختلف جهان اسلام تسلط یابند (تقی زاده، ۱۳۸۸: ۳۲۶-۳۲۷). ایشان مردگی و زندگی یک جامعه را در میزان همبستگی در بین مردم آن بیان داشتند و معتقد بودند یک جامعه‌ای وقتی زنده است که بین اعضای آن همبستگی و وحدت بیشتری وجود داشته باشد، وقتی جامعه‌ای میمیرد که از میزان همبستگی اعضای آن کاسته شده باشد، بنابر بیانات ایشان جامعه اسلامی امروز یک جامعه مرده است چرا که بیشتر درگیر جنگ و دعوا و اختلاف در بین خود هستند و مجال سو استفاده را به دشمن زیرک خود می‌دهند (مطهری، ۱۳۶۸: ۸۳).

ایشان در نطق تاریخی خود در عاشورای سال ۱۳۴۸ در حسینیه ارشاد با بیان قاطع و رسای خود از

تطبیق دیدگاه رژیم پهلوی و انقلابیون درباره مسأله فلسطین/میرزایی‌منش و ایرانی

اهمیت مسأله فلسطین بیان فرمودند و هر گونه سکوت در این باره را جایز ندانسته و همه مردم را به حمایت و دفاع از مردم فلسطین دعوت کردند، ایشان همه را در برابر این قضیه مسول دانستند و عرض داشتند که ما از این مسأله غفلت کرده‌ایم، «این مسأله آنقدر داری اهمیت است که دل پیغمبر اسلام را در قبر به لرزه درآورده است اگر ما به عنوان شیعه می‌خواهیم عزاداری کنیم برای حسین بن علی، امروز باید شعارمان فلسطین باشد که با این کار به عزاداری‌های خود ارزش داده‌ایم»، ایشان همچنین در ادامه فرمودند: «امروز باید در و دیوار این شهر از شعار فلسطین تکان بخورد، ما در برابر مسأله فلسطین مسئولیت داریم اگر امام حسین امروز زنده بود به ما می‌گفت که شمر و یزید شما امروز صهیونیسم و اشغال‌گران قدس هستند» (مطهری، ۱۳۶۸: ج ۲: ۱۶۸).

جدول ۳: وجوه افتراق دیدگاه حکومت پهلوی و انقلابیون پیرامون مسأله فلسطین

انقلابیون	حکومت پهلوی
پاره ای از جهان اسلام	ناسیونالیست عرب
تاکید بر جهان اسلام	تاکید بر بعد ایرانی
توجه به امنیت کشور های اسلامی	توجه به امنیت و نفع داخلی
پکپارچگی در نگاه به مسأله و غاصب دانستن اسرائیل	فناقد سیاست بین‌المللی مدون و تضاد در عقاید

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش در پی بررسی و تطبیق رویکردها و مواضع دو طیف انقلابیون و رژیم پهلوی پیرامون مسئله فلسطین و مناسبات اعراب و اسرائیل بود. تلاش شد تا این مسئله در قالب دو دیدگاه نظری رئالیسم و ایده‌الیسم مورد کنکاش قرار گیرد. انقلابیون ایران نگاهی برون‌گرا، امت‌گرا و آرمان‌گرا به قضیه داشتند و معتقد بودند که هر زمانی مشکلی دیگر کشورهای اسلامی را تهدید کرد بر همه ملت‌های مسلمان واجب است که با جان و دل خود در دفاع از آن به پا خیزند و از هیچ کمکی فرو گزار ننمایند. با این نگاه مشکل فلسطین را فقط مختص به جوامع عرب نمیدانستند و آن را بحرانی برای مسلمانان جهان می‌دانستند و ما دیدیم که در طرح تقسیم فلسطین علما و روحانیون ساکت نشستند و این مسأله را یک پدیده فرا ملی، فرا دولتی و فرا قومی دانستند و نگاهی فراتر از بعد سرزمینی به قضیه داشتند. زمانی که عده‌ای براین باور بودند که مشکل فلسطین به جهان عرب مربوط می‌شود، آیت الله کاشانی در جواب بیان می‌داشتند که «آن دسته از مردمی که به فکر منافع و مصالح شخصی خود هستند و نسبت به امور بی‌اعتنا هستند، اینها باید بدانند که گوشه‌گیری و توجه نکردن به امور مسلمین در اسلام گناهی است بزرگ و نزد خداوند مسول خواهند بود». بنابراین آیت الله کاشانی مسأله فلسطین را مسأله جهان

اسلام دانستند که به نظر ایشان همه مناطق اسلامی واجب است که در مقابل رژیم صهیونیستی بایستند و همچنین می‌بینیم که امام خمینی (ره) بحران فلسطین را در راس مصیبت‌های عالم اسلام می‌داند و به همه مسلمانان جهان توصیه می‌کند که به فکر نجات فلسطین باشند. ایشان همواره دول اسلامی را به اتحاد و برادری دعوت می‌نمودند و دولت ایران را از اسرائیل و اعمال خطرناک آن تحذیر می‌نمودند و معتقد بودند که «اسرائیل این ماده فساد، بر ضد ممالک اسلامی قیام مسلحانه به پا کرده است و بر دول اسلامی لازم است که آن را ریشه کن کنند». در نتیجه این موضع‌گیری‌ها که به تفصیل آورده شد دیدگاه و موضع انقلابیون در قالب آرمان‌گرایی و ملت‌محوری می‌توان تحلیل کرد در مقابل رژیم پهلوی فاقد سیاست خارجی مدونی بود به طوری که در قانون اساسی جز چند اصل به سیاست خارجی اختصاص داده نشده است، نگاه حکومت پهلوی بیشتر درون‌گرا، ملت‌محور بود و منافع داخلی در اولویت بودند و هر طرفی که برای آن‌ها نفعی داشت از آن حمایت می‌کردند، همان‌طور که در زمان تقسیم فلسطین اعتماد و جلب نظر کشور های اسلامی و روحانیون داخل ایران و مردم برایشان مهم بود و از جنبه مشروعیت سیاسی، واکنش علما و روحانیون و مردم ایران مهم تلقی می‌شد به طرح تقسیم رای مخالف داد و اعلام داشت که «ما به اعراب از قدیم دارای یک وجه مشترک مذهب هستیم که ما را دارای منافع مشترک با هم می‌کند» و در مورد طرفداری از بهبود هم به طور صریح مخالفت نکرده چرا که یهود را داری ثروت و نفوذ زیاد در دنیا میدانسته که در جهت منافع ملی بتواند از آن بهره‌برد در نتیجه یک کشور ائتلافی را پیشنهاد می‌کند. با توجه به مفروضات دیدگاه واقع‌گرایی، کشورها به صورت بی‌رحمانه‌ای به دنبال فرصت‌های می‌باشند تا بتوانند از یکدیگر بهره‌برده و امتیاز بگیرند و در این میان اعتماد جایی ندارد بنابراین دستیابی به امنیت از اهداف اولیه و اساسی آن‌ها به شمار می‌رود و برای رسیدن به این هدف به رفتارهای متنوع و گاه متضادی در سیاست بین‌الملل متوسل می‌شوند. همان‌طور که دیدیم دولت ایران با تاسیس رژیم صهیونیستی بر آن شد که مواضع خود را نسبت به قضیه فلسطین تغییر دهد، چرا که برخورداری از اصل چهارم ترومن (کمک‌های مالی و اقتصادی) برای مقامات ایرانی حایز اهمیت بود و تنها با شناسایی اسرائیل ممکن می‌شد. که با اعتراضات نمایندگان مجلس و نارضایتی مردم اقدام به پس‌گیری شناسایی اسرائیل می‌کند ولی با سقوط دولت مصدق و به قدرت رسیدن شاه روابط با اسرائیل روندی گسترده‌تر و بیشتر از قبل شروع می‌شود. با استناد به داده‌های جمع‌آوری شده در پایان می‌توان گفت که سیاست رژیم پهلوی بیشتر متوجه حفظ امنیت و منافع ملی ایران بود تا اعراب و مردم فلسطین.

تطبیق دیدگاه رژیم پهلوی و انقلابیون درباره مسأله فلسطین/میرزایی‌منش و پیرانی

منابع

- ۱) ابراهیمی، شهروز؛ اصغری ورزنده، رضا (۱۳۹۵). «واشکافی تبارشناسانه مفهوم آنارشی از دیدگاه سه سنت‌واقع‌گرایی، انقلابی‌گری و خردگرایی»، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره پنجم، شماره اول.
- ۲) اخوان کاظمی، مسعود؛ عزیزی، پروانه (۱۳۹۰). «ضد انقلابی‌گری در نظام بین الملل، مبانی تئوریک»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۵.
- ۳) ازغندی، علیرضا؛ مرادی جو، علی جان (۱۳۹۵). «حلقه درونی قدرت در ساختار سیاسی حکومت پهلوی دوم»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال هفتم، شماره ۲۷.
- ۴) اسدی، بیژن (۱۳۸۴). «سیاست خارجی ایران در قبال مسأله فلسطین در دوران پهلوی و جمهوری اسلامی ایران تا سال ۷۶»، نشریه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۷.
- ۵) برزگر، کیهان (۱۳۸۸). «سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره اول.
- ۶) بهزادی‌مددی، حمید (۱۳۷۳). «اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی»، تهران: انتشارات کتابفروشی دهخدا.
- ۷) بی‌نام (۱۳۹۲). فلسطین از دیدگاه امام خمینی، «تبیان دفتر چهارم» چاپ هفتم. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار.
- ۸) پاشارپور، حمید (۱۳۸۱). «امام خمینی و انتفاضه فلسطین»، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۹) تقی‌پور، محمد تقی (۱۳۶۰). «نگرشی بر اندیشه‌های امام خمینی پیرامون صهیونیسم و مسأله فلسطین»، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۰) تقی‌پور، محمد تقی (۱۳۹۰). «ایران و اسرائیل در دوران سلطنت پهلوی»، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- ۱۱) تقی‌زاده، بیژن (۱۳۸۸). «بازکاوی خصیصه‌های تحریف‌گرایانه قوم یهود از دیدگاه شهید مطهری»، فصلنامه تخصصی در حوزه تاریخ پژوهی ایران معاصر - انقلاب اسلامی و مسأله فلسطین. دوره سوم، سال پنجم، شماره ۱۹.
- ۱۲) تقی‌زاده، بیژن (۱۳۸۸). «راهکارها و اقدامات آیت‌الله کاشانی در مقابل رژیم صهیونیستی» فصلنامه تخصصی در حوزه تاریخ پژوهی ایران معاصر - انقلاب اسلامی و مسأله فلسطین. دوره دوم، سال ششم، شماره ۲۱.
- ۱۳) جوادی ارجمند، محمد جعفر، معینی، امین (۱۳۹۷). «مفاهیم نقش ملی و تحلیل سیاست خارجی ایران؛ سیاست خارجی ایران در قبال اسرائیل در فاصله سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۷»، فصلنامه سیاست. مجله دانشکده حقوق

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۸، شماره ۶۰، پائیز ۱۴۰۱

و علوم سیاسی. دوره ۴۸.

- ۱۴) خانی، حسین (۱۳۹۳). «امت‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: تطبیق دکترین‌های ام‌القری و تعامل فزاینده». فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. سال سوم. شماره ۸.
- ۱۵) خمینی، روح‌اله (۱۳۷۸). صحیفه امام. جلد‌های ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۱. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- ۱۶) دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۸). «آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی(ره)»، مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۲.
- ۱۷) دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۹۱) «واقع‌گرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم، شماره یک.
- ۱۸) زارع، رضا (۱۳۸۴). «ارتباط ناشناخته (بررسی روابط رژیم پهلوی و اسرائیل ۱۳۲۷-۱۳۵۷)» تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ۱۹) زارعی، بهادر (۱۳۹۰). «تحلیل تئوری امت در قلمرو جغرافیای سیاسی اسلام». فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۴۱ شماره ۳.
- ۲۰) سایت <http://emam.com/>
- ۲۱) سایت <https://www.rouydad.ir/>
- ۲۲) سیمبر، رضا؛ بهرامی مقدم، سجاد (۱۳۹۳) «مخاطرات رشد در سیاست بین‌الملل»، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهان، دوره سوم، شماره اول.
- ۲۳) شهبازی، الهام (۱۳۹۳). «ایران و اسرائیل از همکاری تا منازعه»، خرد نامه شماره ۱۲
- ۲۴) شیروودی، مرتضی (۱۳۸۱). «فلسطین، انتقاضه و انقلاب اسلامی ایران»، مجله معرفت، شماره ۵۴.
- ۲۵) صفا تاج، مجید (۱۳۹۰). «اشغال فلسطین از آغاز تا فرجام» ماهنامه پاسدار اسلام. سال سی و یکم شماره ۳۵۶ و ۳۶۴
- ۲۶) عامری، هوشنگ (۱۳۸۱). «اصول روابط بین‌الملل»، تهران: نشر آگاه.
- ۲۷) فلاح‌نژاد، علی (۱۳۸۱). «مناسبات ایران و اسرائیل در دوره پهلوی دوم»، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۲۸) کامل، روح‌الله (۱۳۸۲). «مقدمه‌ای بر رئالیسم تهاجمی». گزارش‌ها و تحلیل‌های نظامی - راهبردی، سال چهارم، شماره ۳۸.
- ۲۹) کشاورزی نیا، علی رضا؛ کلهر، محمد؛ فروزش، محمد (۱۳۹۸)، «تاثیر مساله فلسطین در روابط سیاسی ایران و اسرائیل در طی سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۲۷»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۹، ش ۴، زمستان ۱۳۹۸، صص ۲۸۱-۲۵۵

تطبیق دیدگاه رژیم پهلوی و انقلابیون درباره مسأله فلسطین/میرزایی‌منش و پیرانی

- ۳۰) گل محمدی، احمد (۱۳۸۴). «نسخه دولت موفق در فلسطین»، مجله زمانه، گروه مطالعاتی فلسطین، سال چهارم شماره ۳۳.
- ۳۱) گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). «روابط ایران و اسراییل به روایت اسناد نخست وزیری (۱۳۲۷_۱۳۵۷)»، مجله پژوهش حقوق عمومی، شماره ۶.
- ۳۲) لاریجانی، علی؛ امیری مقدم، علی (۱۳۹۱). «چالش‌های مکتب امنیتی رئالیسم»، ماهنامه نگرش راهبردی، شماره ۹۱.
- ۳۳) م. دهنوی (۱۳۶۱). «مجموعه‌ای از مکتوبات، سخنرانی‌ها و پیام‌های آیت‌اله کاشانی». جلد‌های ۱، ۲.
- ۳۴) مدنی، سید جلال الدین (۱۳۸۰). «آیت الله کاشانی و مسأله فلسطین» مجله یاران. سال ۱۶.
- ۳۵) مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰). «تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل»، تهران: انتشارات سمت.
- ۳۶) مصطفوی، زهرا (۱۳۹۳). «فلسطین در اندیشه سیاسی الهی امام خمینی»، تهران: نشر عروج.
- ۳۷) مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). «حماسه حسینی»، جلد ۱. تهران: انتشارات صدرا.
- ۳۸) نجاری راد، تقی (۱۳۸۱). «همکاری ساواک و موساد»، تهران. انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ۳۹) نورالدین کیا، فضل الله (۱۳۷۷). «خاطرات خدمت در فلسطین». تهران: نشر آبی.
- ۴۰) ونت، الکساندر (۱۳۸۴). «نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل»، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۴۱) هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۵). «سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی»، تهران: نشر البرز.

-
- 1 Lurd belfor
 - 2 Javadierjmand&Moeni
 - 3 Asadi& sasani
 - 4 asadi
 - 5 SHirodi
 - 6 Gol mohammadi
 - 7 Erab Ameri&Arjmand
 - 8 Ahooy
 - 9 Berzager
 - 10 Mostafavi
 - 11 Cont valts
 - 12 Jan mershaimar
 - 13 fazlallanoradinkia
 - 14 mohammadsaedmeraghaci
 - 15 fazallazahedi
 - 16 kashani
 - 17 Mosadegh
 - 18 khomaeni
 - 19 Motahari